

آفرینش عیسی مسیح در کتاب مقدس و قرآن^۱

مژگان سرشار^۲

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران

چکیده

هم در قرآن و هم در «عهدجدید» به کیفیت آفرینش عیسی (ع) اشاره شده است و در هر دو، انعقاد نطفه عیسی مسیح از مریم و روح القدس ممکن شمرده می‌شود، اما شیوه وقوع این امر و آفرینش عیسی در این دو کتاب اندکی متفاوت است. در عهدجدید نهایی‌ترین توضیح، سایه افکندن قوت حضرت اعلی، پس از آمدن روح القدس بر مریم است و به این ترتیب، خدا به‌عنوان پدر عیسی معرفی می‌شود. در انجیل یوحنا نیز عیسی کلمه، و البته کلمه خدا دانسته می‌شود که به جسم تبدیل شد. در قرآن توضیح بیشتری درباره کیفیت خلقت عیسی آمده است. نخست آن که ماهیت عیسی مانند تمام انسان‌ها و آدم از خاک، و دارای اصالت انسانی است. دیگر آن که نطفه او را مانند نطفه سایر افراد بشر کلمه می‌خواند و کلمه را از مخلوقات الهی می‌داند. از این رو، در این مقاله به مراحل خلقت انسان که مسیح نیز یکی از آنان است، از نگاه قرآنی نیز اشاره می‌شود. افزون بر این، مسیح از نظر خلقت و از این نظر که بدون پدر به دنیا آمده‌است، به آدم مانند می‌شود؛ جز آنکه با نفخ روح القدس در رحم مریم (س) وارد شده است. عهدجدید نیز عیسی را به آدم تشبیه کرده است. بنابراین، مفهوم کلمه، خلقت نطفه عیسی همانند نطفه آدم و آرای مفسران و محققان در این باره، از منظر این دو کتاب مقدس در مطالعه‌ای تحلیلی و مقایسه‌ای تبیین می‌شود. در آخر، تفاوت اعتقاد مؤمنان به قرآن و عهدجدید، از حیث هویت بشری یا الهی بودن عیسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها

عیسی مسیح، آدم، عهد جدید، قرآن، آفرینش، روح القدس.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

۲. پست الکترونیک: sarshar2008@gmail.com

مقدمه

درباره آفرینش آدم، انسان و عیسی در قرآن و کتاب مقدس گزارش‌هایی رسیده است و از یک سو مفسران از دیرباز تا کنون، و از سوی دیگر محققان معاصر زیادی به این موضوع پرداخته‌اند. بنابر توجه‌های بسیار متفاوتی که از متن کتاب مقدس به عمل آمده، مفسران و محققان مسیحی و کلیسا نیز در طی اعصار، اعتقادنامه‌های مختلفی درباره اصل اقا نیم ثلاثه و وجود و ماهیت عیسی صادر کرده‌اند.^۱ اما اگر آیات مربوط به آفرینش آدم،^۲ انسان^۳ و عیسی (ع) را در هر دو متن مقدس مقایسه کنیم، نتیجه‌های متفاوت و جدیدی به دست می‌آید که شاید تاکنون کم‌تر به آن پرداخته باشند.

کتاب مقدس درباره آفرینش انسان می‌گوید که انسان شبیه خداست^۴ و تنها آفرینش آدم^۵ را از آب و خاک،^۶ و خلقت حوا را از دنده آدم می‌داند.^۷ هم‌چنین درباره طرز قرار گرفتن و موقعیت نسل بشر به صورت جنین در رحم مادر سخن می‌گوید.^۸ از دیگر سوی، آیه‌ای در عهدجدید کلمه‌ی مسیح را خدا و در نزد خدا معرفی می‌کند^۹ که همین کلمه را روح القدس به مریم القا می‌کند. سپس می‌گوید که کلمه جسم شد.^{۱۰}

۱. برای نمونه نک: رابرتسون، آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، قم، ۱۳۷۸ش، صص ۹۹-۱۲۰؛ لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، ۱۳۸۰ش؛ صص ۱۴۳-۱۵۲؛ ولفسن، هری اوسترین، فلسفه آبا ی کلیسا، ترجمه علی شهبازی، قم، ۱۳۸۹ش، صص ۱۷۱-۲۶۳؛ نیز:

Edwards, M. J., "Historical and Systematic Theology", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste(ed.), New York, Routledge, 2005, vol. 3; also see: Torrance, A., "The Trinity", *The Cambridge Companion to Karl Barth*, John Webster(ed.), Cambridge, Cambridge University press, 2000, pp.72-7.

2. Adam

3. the man

۴. پیدایش، ۱: ۲۶، ۹: ۶؛ میشنا آووت، ۳: ۱۸.

5. הָאָדָם

۶. پیدایش، ۲: ۶-۷.

۷. پیدایش، ۲: ۲۱-۲۲.

8. Neusner, J., *Jeremiah in Talmud and Midrash*, USA, University Press of America, 2006, pp.383-4.

نیز نک: ایوب، ۳: ۲۹.

۹. یوحنا، ۱: ۱-۲.

۱۰. یوحنا، ۱: ۱۴.

قرآن اما درباره کیفیت آفرینش همه انسان‌ها که شامل عیسی هم می‌شود، قبل از مرحله جنینی در رحم مادر، توضیح‌هایی دارد. آیات قرآن نشان می‌دهد که نطفه اصلی همه انسان‌ها (که از این پس آن را آدمک می‌نامم)، یک زمان و یک‌جا،^۱ طی مراحل از خاک،^۲ آب،^۳ گِل،^۴ شیره گِل،^۵ گِل چسبان،^۶ سفال خشکیده و مرداب بویناک^۷ آفریده شده‌اند؛ سپس سپس برای ورود به دنیا، در صلب پدر ذخیره شده و پس از خروج از ناحیه صلب و ترائب از بدن پدر^۸ و ورود به بطن مادر، به نطفه تبدیل می‌شود. پس از این مرحله با گذراندن حالت علقه، مضقه، عظام و رویش گوشت، در شکم مادر اطوار جنینی خود را طی می‌کند.^۹ می‌کند. آیاتی دیگر تمام این آدمک‌ها را که قبل از ورود به دنیا (یعنی قبل از ورود به بطن مادر) و تبدیل شدن به جسم در حالت موت هستند، «کلمات» می‌خواند.^{۱۰} آیه‌ای دیگر می‌گوید که یکی از این کلمات کلمه عیسی است^{۱۱} که توسط روح القدس در بطن مریم القا شده است.^{۱۲}

اکنون مسأله این است که براساس گزارش‌های قرآن و کتاب مقدس درباره کیفیت آفرینش انسان و مسیح، چگونه می‌توان اعتقاد مسلمانان و گروهی از مسیحیان را درباره عیسی و ماهیت بشری یا خدایی داشتن او توجیه کرد. حدس نگارنده این است که مسلمانان از جایی که آدمک مسیح را مانند دیگر آدمک‌ها بر ساخته خداوند از خاک، آب و سایر مواد می‌دانند، او را چونان بشر توصیف می‌کنند و شماری از مسیحیان از جایی که

۱. اعراف، ۱۱.

۲. آل عمران، ۵۹؛ کهف، ۳۷؛ غافر، ۶۷؛ فاطر، ۱۱.

۳. انبیاء، ۳۰.

۴. سجده، ۷.

۵. مؤمنون، ۱۲-۱۳.

۶. صافات، ۱۱.

۷. حجر، ۲۶ و ۲۸.

۸. طارق، ۷.

۹. حج، ۵.

۱۰. کهف، ۱۰۹، لقمان، ۲۷.

۱۱. آل عمران، ۴۵.

۱۲. نساء، ۱۷۱.

اجمالاً آفرینش انسان را شبیه خدا دانسته و از سویی عیسی را از سایر افراد بشر در امر آفرینش جدا می‌کنند و مرتبه‌ای بالاتر برای آفرینش او قائلند، وی را خدا یا پسر خدا معرفی می‌کنند. این مقاله عهده‌دار تبیین و مقایسه آیات، نشان دادن وجوه اشتراک و افتراق در جریان خلقت انسان و عیسی مسیح، و همچنین اثبات حدس فوق است.

۱. آفرینش آدم و انسان در قرآن و کتاب مقدس

قرآن آفرینش آدم و نسل بشر را در آیات متعددی به صراحت از خاک، آب، گل، شیرۀ گل و مردابی بویناک می‌داند. با این حال، مفسران مسلمان در تفسیر این گونه آیات دیدگاه‌های بسیار متفاوتی را ابراز داشته‌اند. برخی معتقدند که تنها آفرینش آدم از خاک بوده است و سایر انسان‌ها از طریق او به دنیا آمده‌اند، چنان‌که در کتاب مقدس نیز آمده است. اکنون هر یک از این مراحل را جداگانه بررسی می‌کنم.

۱.۱ آفرینش از خاک

در قرآن آمده است: «و الله خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم جعلناکم ازواجاً»^۱، یعنی خدا شما را از خاک آفرید و سپس از یک نطفه، و سپس شما را جفت و همسر ساخت. در بادی نظر، با توجه به ضمیر «کم» در این آیه و آیه‌های مشابه^۲ به نظر می‌رسد که خلقت همه انسان‌ها از خاک و سپس از نطفه است و حتی تعیین جنسیت پس از انعقاد نطفه صورت می‌گیرد. با این همه، برخی مفسران گفته‌اند که منظور این است که اصل انسان‌ها، یعنی پدر آنان آدم، که سبب خلقت آنان است، از خاک خلق شده است و نسل او از طریق نطفه به دنیا آمده‌اند.^۳ حتی گاهی تأویل‌های دورتری هم ارائه داده‌اند. مثلاً گفته‌اند که منظور

۱. فاطر، ۱۱.

۲. حج، ۵.

۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۳، ج ۸، ص ۴۱۸؛ زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال، به کوشش عباس و محمود حلبی، مصر، مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۸۴.

منظور این است که انسان‌ها ناگزیر به غذا نیازمندند و غذا از خاک به دست می‌آید و به همین سبب می‌توان گفت که انسان‌ها از خاک آفریده شده‌اند و به تدریج خاک به نطفه تبدیل شده است.^۱ توجیه نخست، ضمیر «کم» را از معنای اصلی آن خارج می‌کند و مفسر را وامی‌دارد که «أبا» را در تقدیر بگیرد، یا آنکه بدون دلیلی متقن، برخلاف ظاهر آیات منظور از «شما» را «پدر شما» در نظر بگیرد. در آیه‌ای دیگر از قرآن، جایی که گفت‌وگویی میان مردی فقیر و ثروتمند مطرح می‌شود، از قول آن مرد فقیر آمده است: «... أَكْفَرْت بِالذِّي خَلَقَك مِن تَرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا»^۲، یعنی آیا به کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آنگاه به صورت مردی کامل درآورد، کفر ورزیدی؟ در این جا هم اگر بخواهیم ضمیر «ك» را به صورت «أبكَ» (پدر تو) معنی کنیم، باز همان اشکال پیش می‌آید. مثال‌های دیگری هم هست که نشان می‌دهد خلقت همه انسان‌ها پیش از تبدیل شدن به نطفه و مراحل جنینی، از خاک بوده است. سپس آن ذره به وجود آمده از خاک، تبدیل به نطفه گشته و وارد سایر مراحل جنینی شده است؛ مانند این آیه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلٍ لِّتَبْلُغُوا أَشْدَكُمْ ثُمَّ لِنَكُونُوا شِيُوخًا...»^۳، یعنی او همان است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آنگاه از علقه، سپس شما را در حال کودکی بیرون می‌آورد تا به حد کمال خود برسید، سپس تا پیر شوید.

اما عهدعتیق اطلاعی چندان صریح درباره از خاک بودن تمام انسان‌ها به دست نمی‌دهد و تنها به اشاره از قول ایوب نقل می‌کند که از خاک آفریده شده است، زیرا ایوب می‌گوید «و آیا مرا به غبار برمی‌گردانی؟»^۴ اما درباره آفرینش آدم و حوا به صراحت می‌گوید که از خاک است.^۵ در شرح خلقت آدم از خاک در دوازده ساعت نیز، درباره

۱. طوسی، ج ۸، ص ۴۱۸.

۲. کهف، ۳۷.

۳. غافر، ۶۷.

۴. ایوب، ۱۰: ۸-۹.

۵. نک: ذیل آفرینش آدم. نیز نک:

Alexander, P.S. & Luttikhuisen, G.P., *The Creation of Man and Woman, Interpretations of the Biblical Narratives in Jewish and Christian Traditions*, Brill, Leiden, 2000, vol. III, pp. 3-4; and Cf. pp. 5-9.

کیفیت خلقت از خاک توضیح چندان بیشتری جز جمع شدن ذرات خاک نیامده است.^۱ چنین به نظر می‌رسد که این گزارش تورات بر نخستین مفسران مسلمان هم تأثیر گذاشته است و بسیاری از مفسران بعدی تا قرن هفتم، برای نمونه تا زمان فخررازی از رأی همان مفسران دنباله‌روی کرده‌اند. به این ترتیب، در شرح آیات مربوط به خلقت انسان دچار تکلف شده‌اند و تا سخن از آفرینش انسان از خاک یا گل و مانند آن است، این امر را تنها به خلقت آدم ربط می‌دهند.

۲.۱. آفرینش از آب

آیه‌های «و هو الذی خلق من الماء بشراً...»^۲ (یعنی و اوست که از آب بشری آفرید) و «و جعلنا من الماء کلّ شیء حی»^۳ (یعنی و هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم) نشان می‌دهد که انسان هم که موجودی ذی حیات است، از آبی حیات بخش آفریده شده است. علاوه بر صراحت این آیه در به کار بردن آب در خلقت همه چیز از جمله انسان، برخی مفسران صریحاً این آیه را مربوط به خلقت انسان نیز دانسته‌اند.^۴ عهد عتیق نیز پیش از آفرینش آدم از خاک زمین، به سیراب شدن زمین از آب اشاره می‌کند.^۵

۳.۱. آفرینش از گل

از این به بعد، در «عهد عتیق» توضیحی درباره خلقت انسان از موادی چون گل و مانند آن دیده نمی‌شود. اما قرآن هنوز توضیح‌هایی در این باره دارد. برای نمونه می‌گوید: «هو الذی

1. See: Idem, vol.III, pp.116-117.

۲. فرقان، ۵۴.

۳. انبیاء، ۳۰.

۴. برای نمونه نک: سمرقندی، ابو اللیث، تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)، به کوشش محمود مطرحی، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۵؛ ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان، به کوشش ابومحمد بن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م، ج ۶، ص ۲۷۴؛ سمعانی، تفسیر السمعی، به کوشش یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۳۷۷؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحیط، به کوشش عادل احمد و علی محمد عوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م، ج ۶، ص ۴۲۸؛ قس فخررازی، مفاتیح الغیب، بی جا، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۳.

۵. نک. پیدایش، ۲: ۶-۷.

خلقکم من طین ثم قضی اجلاً...»^۱ یعنی اوست که شما را از گل آفرید، سپس برای هر فردی از شما مدتی از عمر مقرر داشت؛ هم‌چنین می‌گوید: «الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین»^۲ یعنی همان که هرچه را آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز نمود. در آیه نخست هم‌چنان ضمیر جمع «کم» دیده می‌شود که مانند آیات مربوط به خلقت انسان از خاک، خطاب به تمام انسان‌ها است، هر چند که بسیاری مفسران در این مورد هم مانند مسأله خلقت از خاک، صرفاً خلقت آدم را از گل پنداشته‌اند، زیرا می‌گویند که اصل همه انسان‌ها از آدم است. آنان آدم را پدر همه نوع بشر می‌دانند و از این رو، این شیوه سخن را که بگوییم در نتیجه همه انسان‌ها از گل آفریده شده‌اند، به سبب انتساب آنها به پدرشان، درست می‌دانند.^۳ ظاهراً همه مفسرانی که چنین نظری می‌دهند، از منابع روایی یکسانی بهره برده‌اند.^۴ در این میان، ابن عطیه (د. ۵۴۶ق/۱۱۵۱م) از قول مکی و زهرای به تفسیری که من در بالا ارائه دادم، اشاره می‌کند. یعنی می‌گوید که اصل نطفه همه انسان‌ها از گل است و سپس خداوند این گل را به نطفه تبدیل کرد. اما خود این قول را نمی‌پذیرد و همان تفسیر مشهور را قبول دارد و منبع استناد او نیز همان منابع روایی از قول تابعان است که در تفاسیر کهن‌تر مورد استناد قرار گرفته است.^۵ البته مفسرانی چون فخر رازی نیز هستند که هیچ‌یک از این اقوال را قبول ندارند و معتقدند که چون انسان از منی و خون آفریده شده است و خون از مواد حیوانی یا گیاهی تغذیه می‌شود و از سوی دیگر،

۱. انعام، ۲.

۲. سجده، ۷.

۳. مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، به کوشش احمد فرید، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م، ج ۱، ص ۳۳۶؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، به کوشش خلیل المیس و صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، ج ۷، ص ۱۹۴؛ سمرقندی، ج ۱، ص ۴۵۵؛ طوسی، ج ۴، ص ۷۷.

۴. همان؛ نیز بغوی، تفسیر، به کوشش خالد عبد الرحمن العک، بیروت، دارالمعرفة، بی تا، ج ۲، ص ۸۴.

۵. ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۲۶۶. نیز: قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، به کوشش احمد عبد العلیم بردونی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م، از قول نحاس، ج ۶، ص ۳۸۷.

چون گیاه از گِل می‌روید، پس درست است که بگوییم انسان از گِل متولد می‌شود.^۱ چنان که دیده می‌شود، در تمام این شرح‌ها از صورت ظاهر آیه و ضمیر اصلی که قرآن به صورت خطاب کلی به کار برده است، کاملاً دور و دچار تأویل می‌شویم.^۲

در آیه دوم که ابتدای آفرینش انسان را از گِل معرفی می‌کند، کلمه «الانسان» به کار رفته است. در این جا بیشتر مفسران متقدم الانسان را به معنی آدم گرفته‌اند و آیه پس از آن هم که می‌گوید «ثم جعل نسله من سلالة من ماء مهين»،^۳ یعنی سپس نسل او را از چکیده‌ای از آب پست و ناچیز قرار داد، به این معنا دانسته‌اند که نسل آدم و فرزندانش را از سلاله‌ای از ماء مهین آفریده‌اند.^۴ ادبا و لغویان می‌گویند که ذریه را نسل می‌نامند، زیرا از انسان زاده می‌شود، یعنی از او جدا و از صلب او خارج و از بطن مادر زاده می‌شود.^۵ بنابراین، می‌توان گفت که زایش انسان از سلاله‌ای از ماء مهین است،^۶ زیرا اگر قرار باشد «الانسان» را برداریم و به جای آن «آدم» بگذاریم، باز هم به ظاهر و متن الفاظ وفادار نمانده‌ایم. از سوی دیگر، باید در تعبیر «نسله» نیز آدم را در تقدیر بگیریم و به قول فخررازی دچار تکلف شویم.^۷ در حالی که اگر بدون پیش‌فرض، به آیه دقت کنیم، درمی‌یابیم که «ال» بر سر «الانسان»، نشان می‌دهد که اسم جنس است و همه انسان‌ها را

۱. فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۵۲.

۲. نک: ابوحیان اندلسی، ج ۴، ص ۷۴-۷۵.

۳. سجده، ۸.

۴. برای نمونه نک: طبری، ج ۲۱، ص ۱۱۵؛ سمرقندی، ج ۳، ص ۳۲؛ ابن ابی‌زمین، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، تفسیر ابن‌زمین، به کوشش حسین بن عکاشه و محمد بن مصطفی الکنز، قاهره، الفاروق الحدیثه، ۲۳/۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۳۸۱؛ طوسی، ج ۸، ص ۲۹۷.

۵. زمخشری، ج ۳، ص ۲۴۱؛ نیز نک: زبیدی، محب‌الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴/۱۹۹۴م، ج ۱۴، ص ۳۵۰.

۶. ابن‌کثیر آن را به معنی یتناسلون (زایش می‌شوند) می‌گیرد. نک: ابن‌کثیر، عمادالدین اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲/۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۴۶۶؛ چنان که فخر رازی به این معنا؛ یعنی توالد و زایش در معنای «جعل نسله» اشاره کرده است. نک: ج ۲۳، ص ۸۴، ذیل آیه.

۷. نک: فخررازی، ج ۲۳، ص ۸۴، ذیل آیه.

شامل می‌شود؛ چنان که لغویان نیز گفته‌اند.^۱ آیه بعد هم نشان می‌دهد که انسان‌ها برای آمدن به این جهان، از طریق زایش از ماء مهین به دنیا آمده‌اند. افزون بر این، در قسمت‌های بعد خواهید دید که آیاتی می‌گویند که خود این سلاله گِل به نطفه تبدیل شده است.

۴.۱. آفرینش از شیرۀ گل

مهم‌ترین آیه‌ای که درباره خلقت انسان از شیرۀ گل سخن می‌گوید، این است: «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین»^۲، یعنی و به یقین ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس او را به صورت نطفه‌ای در قرارگاهی استوار قرار دادیم. در تفسیر این آیه، مفسران سخت‌تر از قبل دچار تکلف گشته‌اند و مجبور شده‌اند که توضیح‌های دورتری از ظاهر آیه ارائه دهند. برای نمونه، باوجود این که مراد از انسان را همه انسان‌ها گرفته‌اند، باز هم خلقت از شیرۀ گل را به آدم بازمی‌گردانند.^۳ منبع روایی غالب غالب این مفسران هم صحابه یا تابعانی چون ابن عباس، مجاهد و قتاده‌اند. در نتیجه آن مجبوراند قسمت دوم آیه را عوض کنند و به جای «جعلناه» بگویند «جعلنا نسله»، یعنی نسل را در تقدیر بگیرند.^۴ گونه‌ای دیگر از تفسیر چنین است که مراد از انسان را فرزند آدم در نظر گرفته‌اند، اما سلاله را برخلاف مفهوم اصلی لغوی آن، شیرۀ و عصاره^۵ به معنای منی، و آفرینش از طین را ناظر به خلقت آدم دانسته‌اند.^۶ دوری این تفسیر از اصل عبارت کاملاً آشکار است، چنان که برخی ادبا که چنین تفسیری را با ظاهر آیه معارض دیده‌اند، گفته‌اند که منظور این است که جوهر انسان از شیرۀ گل و سپس از نطفه آفریده شده

۱. ابن منظور تصریح می‌کند که مراد از انسان فرزند آدم است. نک: ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب،

قم، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۲. مؤمنون، ۱۲-۱۳.

۳. مقاتل، طبری، سمعانی، ذیل آیه.

۴. برای نمونه نک: طوسی، ج ۷، ص ۳۵۳؛ نیز قرطبی، ذیل آیه.

۵. نک: فراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد، العین، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰؛ نیز راغب که آن را کنایه از منی گرفته است، راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن

محمد، مفردات الفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، ۱۴۲۴ق، ذیل سئل.

۶. ثعلبی، طبرسی، ذیل آیه.

است،^۱ زیرا ضمیر «هاء» در «جعلناه» به «الانسان» برمی‌گردد و نشان می‌دهد که خود آن انسان به نطفه تبدیل شده و در رحم مادر قرار گرفته است و این توضیح دربارهٔ آدم صدق نمی‌کند، زیرا آدم از مادری زاده نشده است.^۲ گزارش قرآن در این باره، به همین جا خاتمه نمی‌یابد و دربارهٔ این شیرۀ گل نیز توضیح بیشتری می‌دهد.

۵.۱. آفرینش از گلِ چسبان

نظر به آیهٔ «... انا خلقناهم من طین لازب، بل عجب و یسخرون»^۳ (ما اینان را از گلی چسبیده آفریدیم، تو تعجب داری و آنان مسخره می‌کنند) قرآن هم در مورد همهٔ انسان‌ها می‌گوید که از گل چسبان آفریده شده‌اند،^۴ و هم فضای دورانی را ترسیم می‌کند که این آیات برای مردم خوانده شده است. این آیه‌ها نشان می‌دهند که پیامبر با وجود دانش پیامبری، از این شرح‌ها دربارهٔ خلقت انسان متعجب شده است و سایر مردم او را مسخره می‌کردند.^۵ دیگر نیازی نمی‌بینم باز هم به این مطلب بپردازم که به‌رغم این که ضمیر «هم» ظهور در جمعی از انسان‌ها دارد و نه تنها آدم، چگونه غالب مفسران جز معدودی، این آیه را نیز ناظر به خلقت آدم دانسته‌اند.^۶ اما هم‌چنان به نظر نمی‌رسد که قالب آدمی را از گل سفال پر کرده، پخته و سپس روح الهی در آن دمیده باشند و شرح در این باره ادامه دارد.

۱. زمخشری، ج ۳، ص ۲۷؛ نیز: غرناطی کلیبی، قاسم بن احمد، *التسهیل لعلوم التنزیل*، لبنان، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ذیل آیه؛ و قس: ابن عطیه، ذیل آیه.

۲. برای نمونه نک: آلوسی، محمود، *تفسیر آلوسی*، بی‌جا، بی‌تا، ذیل آیه.

۳. صافات، ۱۱-۱۲.

۴. طبری، به نقل از ابن عباس، ذیل سورهٔ ۱۵، آیه ۲۶؛ نیز نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، *معانی القرآن*، به کوشش محمد علی صابونی، عربستان سعودی، جامعهٔ أم القری، ۱۴۰۹ق، ذیل همان آیه.

۵. ابن ابی‌حاتم، رازی، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش اسعد محمد الطیب، المكتبة العصریة، بی‌تا؛ نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد و قرطبی، ذیل آیه. البته برخی مفسران می‌گویند که تعجب پیامبر از تکذیب مشرکان نسبت به برپایی معاد است (مقاتل، طبری، ذیل آیه)، در حالی که ماجرای تکذیب معاد پس از این آیه است، نه پیش از آن.

۶. برای نمونه نگاه کنید به: ابن ابی‌حاتم رازی ۳۲۷، سمرقندی؛ ابن ابی‌زمین؛ زمخشری؛ ذیل آیه؛ قس طبری، طبری، ذیل آیه.

۶.۱. آفرینش از مرداب سیاه خشکیده و بویناک

نهایی‌ترین توضیحی که قرآن درباره خلقت بشر و نه فقط آدم می‌دهد این است که نطفه آدمی از سفال خشکیده‌ای از مرداب سیاهی آفریده شده است که بوی گاز از آن متصاعد بود: «و لقد خلقنا الانسان من صلصال من حمأ مسنون»^۱ (به یقین نطفه آدمی را از مرداب سیاه خشکیده‌ای آفریدیم که بوی گاز از آن متصاعد بود). اغلب مفسران این آیه را نیز مانند سایر آیاتی که در بالا اشاره کردم، در مورد خلقت آدم تصور کرده‌اند.^۲ این آیه در مقایسه با آیه بعدی نشان می‌دهد که مراد جنس انسان در مقابل جنس جن است و در این قسمت، تنها سخن از آدم و ابلیس نیست. آیه بعدی می‌گوید: «و الجان خلقناه من قبل من نار السموم»^۳، یعنی و پیش از این نطفه جن را از شعله گازه‌های سمی آفریده بودیم. از مفسران معاصر تنها یک نفر به این روند آفرینش اشاره کرده است و آیات مربوط به خلقت از خاک، آب، گل، شیره گل، گل چسبان و مرداب سیاه بویناک را مربوط به آفرینش تمام انسان‌ها دانسته است.^۴ وی می‌گوید خداوند آب را بر خاک افشاند و شیره گل را جدا کرد، با تلاطم امواج مالش و پرورش داد تا چسبان شد و به صورت مرداب و لجن در آمد. مرداب در اثر تابش آفتاب و طوفان، سیاه و بویناک شد. کم‌کم سطح مرداب مانند سفال خشکید و در این دوره طولانی و تحول‌های شیمیایی اتم‌های خاک درهم شد و نطفه آدمی به صورت مولکول حیاتی ساخته شد؛ نطفه‌ای مانند بذر که هرگاه در جای مناسبی کشت شود، به صورت آدمی قابل لمس با تمام اندام خواهد شد.^۵ وی به این آیه درباره کشت انسان‌ها اشاره می‌کند: «... هو الذی ذرأکم فی الارض و الیه تحشرون»^۶، یعنی اوست که بذر بذر وجود شما را در خاک افشاند و شما به روز رستاخیز هم از دل خاک به سوی او محشور می‌شوید.

۱. حجر، ۲۶.

۲. برای نمونه نک: طبری، سمرقندی، ثعلبی، طوسی، زمخشری، ذیل آیه.

۳. حجر، ۲۷.

۴. بهبودی، محمدباقر، نگاهی به تاریخ انبیاء در قرآن، تهران، انتشارات سنا، ۱۳۸۸ش، صص ۸-۱۰.

۵. همان.

۶. ملک، ۲۴.

با توجه به نظریه فوق، اصل همه انسان‌ها طی مراحل نامبرده، به صورت مولکول‌های بسیار کوچک و نادیدنی، یک جا آفریده شده است. به بیان دقیق‌تر، «روح» انسان‌ها در تعبیر عامیانه ما، یا به تعبیر قرآن «نفس» همه انسان‌ها،^۱ پیش از ورود به دنیا از مواد نامبرده یک جا آفریده شد. در این مقاله، این مولکول نادیدنی را که هویت اصلی انسان را تشکیل می‌دهد، آدمک می‌نامم. با توجه به نظریه فوق، نسل نخست بشر از طریق کشت آدمک‌هایشان در دل خاک به دنیا آمدند و بقیه آدمک‌ها از طریق اخراج نطفه از پشت پدران و ورود به رحم مادران، همان‌طور که امروز قابل مشاهده است، به دنیا می‌آیند.^۲ در عهدعتیق نیز به خلقت اولیه بشر از سفال اشاره شده است، آنجا که از قول ایوب می‌گوید: «به یادآور که مرا مثل سفال ساختی».^۳

۷.۱. صورت بخشی انسان

یکی از آیات قرآن می‌گوید که خدا ابتدا همه انسان‌ها را آفرید، سپس نقش و نگار داد، و سپس به فرشتگان ندا کرد که بر آدم سجده کنند.^۴ در این آیه تمام ضمائر اولیه جمع، و خطاب به تمام انسان‌ها است. در آخر درباره فرمان به سجده به آدم سخن می‌گوید. گویا تمام انسان‌ها یک جا آفریده شده‌اند، سپس آدم انتخاب می‌شود و فرمان به سجده مطرح می‌شود.^۵ البته درباره این آیه هم آرای مفسران متفاوت است. برای نمونه، برخی به نقل از بسیاری از تابعان گفته‌اند که خداوند نخست آدم را آفرید و سپس تمام انسان‌ها را در صلب او صورت بخشید،^۶ یا آنان باز هم با وجود ضمائر و خطاب‌های جمع در آیه، آن را تنها ناظر به آفرینش آدم می‌دانند.^۷ البته گاهی برخی دیگر آن را درباره کل انسان‌ها در نظر می‌گیرند و می‌گویند که خداوند تمام انسان‌ها را نخست در صلب پدران، و سپس در رحم

۱. برای نمونه نک: آل عمران، ۱۸۵؛ نساء، ۱، ۹۷؛ نحل، ۱۱۱؛ لقمان، ۳۴؛ زمر، ۴۲؛ نحل، ۲۸.

۲. برای توضیح بیشتر نک: بهبودی، محمدباقر، نگاهی...، صص ۱۲-۱۶.

۳. ایوب، ۱۰: ۹.

۴. الاعراف، ۱۱.

۵. نک: ادامه مقاله.

۶. طوسی، ذیل آیه.

۷. مقاتل، طبری، زمخسری، ذیل آیه؛ نیز قس: فخررازی، ذیل آیه.

مادران صورت بخشید.^۱ پیروان نظریه نخست و دوم دقت نمی‌کنند که این آیه با تعبیر «ثم» نشان می‌دهد که پس از صورت‌بخشی همه انسان‌ها امر به سجده به آدم می‌کند. بنابراین، باید خلقت همگان و صورت‌بخشی آنان قبل از فرمان به سجده به آدم در ابتدای خلقت باشد.

«عهدعتیق» درباره خلقت قبل از نطفه و درباره آفرینش همه انسان‌ها گزارشی نمی‌دهد، اما به جفت بودن انسان اشاره دارد و هیأت انسان را به خداوند مانند می‌کند و می‌گوید: «پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید».^۲ این برقراری تشابه میان انسان و خدا هر چه که باشد، بدون شک نمی‌تواند منظور شکل ظاهری انسان باشد.^۳ قرآن هم صورت‌بندی انسان را به بهترین قوام ممکن^۴ و به نیکوترین صورت می‌داند،^۵ اما آن را به خدا تشبیه نمی‌کند.

اشاره‌های مشترک دیگر که میان قرآن و کتاب مقدس مربوط به اطوار مختلف جنینی است که نطفه آدمی در رحم مادر پشت سر می‌گذارد. هر دو کتاب گزارش‌هایی در این باره ارائه می‌دهند.^۶ البته این مرحله مربوط به رشد آدمک، بعد از ورود به دنیا، از طریق القای منی در رحم مادر است و ارتباطی با دوران پیش از آن ندارد.

۸.۱ آفرینش آدم

اگر این درست باشد که بگوییم همه آدمک‌ها یک جا آفریده شده‌اند، اینک این فرضیه مطرح می‌شود که آدمک آدم که از هر نظر پیراسته و کامل بود، از میان همه آدمک‌ها انتخاب

۱. سفیان ثوری، تفسیر الثوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م، ذیل آیه.

۲. پیدایش، ۱: ۲۷.

۳. نک: کهن، آبراهام، خدا، جهان، انسان و ماشیح در آموزه‌های یهود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران،

۱۳۸۲ش، صص ۴۹-۵۴.

۴. تین، ۴.

۵. غافر، ۶۴؛ تغابن، ۳.

۶. ایوب، ۲۹؛ ۳: ۱۰؛ ۱۰-۱۲؛ حج، ۵.

شد. شاید بتوان با در نظر گرفتن آیه زیر، این فرضیه را بهتر فهمید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۱ یعنی به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. برخی مفسران می‌گویند که هر یک از مواردی که در آیه فوق آمده‌اند، به دلایلی برگزیده شدند.^۲ برای نمونه، آل عمران برای تحکیم رسالت انجیل، آل ابراهیم برای تأسیس دین تورات، نوح برای رسالت در زمین و دست‌آخر آدم برای آزمون در بهشت برگزیده شدند.^۳ بر خلاف برخی دیگر از مفسران که با حکمی کلی همه موارد فوق را برگزیدگی به پیامبری تلقی می‌کنند،^۴ هر چند که آل عمران آل عمران و آل ابراهیم همگی پیامبر نبودند. به همین دلیل، این گروه از مفسران ناگزیرند که منظور از آل عمران و آل ابراهیم را تنها مؤمنان و برگزیدگان آن اقوام در نظر بگیرند.^۵ به هر روی، آدمک آدم که از هر نظر کامل و بی‌نقص بود،^۶ برای سکونت اولیه در بهشت برگزیده برگزیده شد. از این رو، بدون دخالت پدر و مادر، با کشت در دل مرداب آدمک او مراحل جنینی را طی کرد و به صورت انسانی کامل برخاست. توضیحی که عهد عتیق درباره اصل خلقت آدم می‌دهد، مطلبی است که در قرآن با سایر انسان‌ها در آفریده شدن از خاک و گل مشترک است^۷ و در قرآن غالباً در مقایسه با آدمک مسیح، یا از زبان ابلیس بیان می‌شود.^۸ اما قرآن به‌طور خاص گزارش جداگانه‌ای نیز در مورد آدم دارد و می‌گوید که با اشاره الهی، بدون پدر و مادر به دنیا آمده است.^۹

۱. آل عمران، ۳۳.

۲. سمرقندی، ثعلبی، ذیل آیه.

۳. بهبودی، معانی القرآن، نشر سرا، تهران، ۱۴۲۱ق، ترجمه ذیل آیه.

۴. طوسی، ابن عطیه، طبری، ابن ابی حاتم، رازی، ذیل آیه؛ سلمی، تفسیر السلمی، به کوشش سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.

۵. طبری، ابن ابی حاتم، رازی، طوسی، همانجاها.

۶. با توجه به معنای لغوی آن که خلوص از هر ناخالصی و تیرگی است. برای نمونه نک: زبیدی، ذیل صفو.

۷. پیدایش، ۲: ۶-۷.

۸. آل عمران، ۵۹؛ اعراف، ۱۲.

۹. آل عمران، ۵۹.

۲. آفرینش عیسی در کتاب مقدس و قرآن

در «عهدجدید» سه نکته مهم درباره آفرینش عیسی مسیح بیان شده که سبب پیدایش آرای متفاوتی درباره هویت عیسی شده است. نخست گزارش می‌کند که عیسی کلمه، و نزد خدا بود و او خدا بود؛^۱ دوم این که کلمه جسم شد و میان ما ساکن شد؛^۲ سوم تشبیه آدم به عیسی است.^۳ در قرآن، دو مطلب درباره آفرینش عیسی مطرح است: یکی القای کلمه مسیح مسیح در بطن مریم و زنده شدن آن با موجی از روح قدسی؛ دوم تشابه خلقت عیسی به خلقت آدم.^۴ به این ترتیب فصل مشترک میان کتاب مقدس و قرآن درباره هویت عیسی «کلمه» است که محور اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱.۲. تعبیر از نفس به کلمه

واژه «کلمه» در قرآن در مصادیق گوناگونی به کار رفته است. این واژه به تعبیر برخی محققان مسیحی همان است که در الهیات مسیحی لوگوس خوانده می‌شود.^۵ به زعم برخی محققان، بشریت لوگوس مخصوص به خود را دارد و هوش و خرد هر وجود بشری برآمده از لوگوس الهی است.^۶

یکی از موارد کاربرد «کلمه» در قرآن، معنای نفس یا نفوس انسانی است. برای نمونه، در آیه «قل لو كان البحر مدادا لکلکلمات ربی لنفد البحر قبل أن تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا»،^۷ یعنی بگو: اگر دریا مرکب شود تا آمار کلمات خدا را ثبت و احصا کند، مرکب دریا به آخر می‌رسد، پیش از آن که کلمات خدا به آخر برسد، گرچه مرکب دریا را

۱. یوحنا، ۱: ۱.

۲. یوحنا، ۱: ۱۴؛ نیز برای نمونه نک: ولفسن، صص ۲۰۲-۲۰۵؛ نیز:

Hugh, S., *History of the Origion of the Doctorine of the Trinity in the Christian Church*, London, 1899, p.54.

۳. رومیان، ۵: ۱۴.

۴. نک ادامه مقاله.

۵. برای نمونه نک ولفسن، همانجا؛ نیز:

Hugh, S., p.54; Edwards, M.J., vol.3, p.1721.

6. Ibid.

۷. کهف، ۱۰۹؛ نیز لقمان، ۲۷.

تجدید کنیم. مفسران متقدم و متأخر در شرح «کلمات» آرای گوناگونی ارائه کرده‌اند، از جمله آن را کلام خدا، علم الهی، حکمت، عجایب و احکامی که خدا در ایجاد آن تواناست دانسته‌اند.^۱ در اوایل قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی، تنها یک مفسر اشاره‌ای کوتاه به این نکته دارد که منظور از «کلمات» روح آدمیان است.^۲ در میان معاصران نیز تنها یک تن با در نظر گرفتن سیاق این آیه، و با توجه به این که «قل» در هر آیه‌ای نشانه‌ی این است که مخالفان اعتراضی کرده‌اند و حتماً باید پاسخی به آنان داده شود، زمینه سخن را بازسازی می‌کند و می‌گوید که منظور از «کلمات» همان نطفه‌های بشری هستند و همواره نسل بشر بر روی زمین مستقر می‌شود. از این رو، آیه در جواب به کافران است که منطقتشان در تکذیب رستاخیز این بود که اگر بهشت و دوزخی باشد، پس از آن، دیگر بشری بر روی زمین نخواهد ماند تا مورد آزمون قرار بگیرد و ربوبیت خدا جلوه‌گر شود. یعنی آنکه دیگر نه رسالتی خواهد بود، نه قیامتی، و نه کلاسی برای تربیت، و این قیامت فرضی، قیامت‌های بعدی را نفی می‌کند و اساس منطقی شما را درهم می‌ریزد. به این ترتیب، ربوبیت الله و رسالت رسولان فقط برای دوران کوتاهی ضروری خواهد بود. اما این آیه در پاسخ به همین منطلق طراحی شده است و نشان می‌دهد که تعداد نفوس آدمی آنقدر زیاد و غیر قابل احصا است که زندگی دنیا بازسازی می‌شود، افراد بشر گروه گروه به زندگی دنیا منتقل می‌شوند،

۱. مقاتل، طبری، سمرقندی، ابن ابی‌زمین، ثعلبی، طبرسی، فخررازی، ذیل آیه؛ فیروز آبادی، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، لبنان، دار الکتب العلمیة، بی‌تا، ذیل آیه؛ ثعالبی، عبدالرحمن، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد موجود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م، ذیل آیه؛ فیض کاشانی، محمد محسن، التفسیر الاصفی، به کوشش محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش، ذیل آیه؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، بی‌تا، ذیل آیه.

۲. ابن عربی، محی‌الدین، تفسیر ابن عربی، به کوشش عبد الوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م، ذیل آیه؛ نیز نک:

Widdicombe, P., *The Fatherhood of God from Origen to Athanasius*, Oxford, Clarendon Press, 1994, pp.52-53.

دسته دسته رسولان خدا بر آنان مبعوث می‌شوند و نوبت به نوبت به مرحله قیامت می‌رسند.^۱

دسته‌ای از روایات نیز دلالت «کلمه» بر این معنا را تأیید می‌کنند. برای نمونه، در برخی آیه‌ها برای حق و باطل مثالی آورده شده است که در آن، نطفه پاک به درختی پاک مانند خرما تشبیه شده که ریشه‌ی آن مانند میخ در زمین پابرجا و شاخه‌هایش چون چتر در آسمان است و نطفه ناپاک به درختی ناپاک مانند شده که چون قارچ سمی جنه خود را یک شبه بالا کشیده است، اما در دل خاک ریشه و استقرار ندارد. برای اشاره به این نطفه یا آدمک تعبیرهای «کلمه طيبة» و «کلمه خبيثة» به کار رفته است.^۲ در منابع کهن روایی و تفسیری نیز برای بیان مصداق این تعبیرها نام انسان‌هایی ذکر می‌شود.^۳

اگر این تبیین درست باشد، شاید بتوان گفت که تمام افراد بشر که آدمک‌هایشان یک‌جا ساخته شده است، همان نفوس یا روح‌هایی هستند که برخی به دنیا آمده‌اند و برخی دیگر در نوبت ورود به دنیا قرار دارند و تعدادشان آنقدر زیاد است که اگر تمام دریاها مرکب و درختان قلم شوند، قابل شمارش نخواهند بود. آیه فوق، شاید تنها آیه‌ای نیست که «کلمه» در آن به معنای آدمک است، بلکه آیاتی درباره آفرینش مسیح وجود دارد که با به کار بردن تعبیر «کلمه» احتمالاً ناظر به همین معنا است.^۴

۲.۲. آفرینش عیسی در کتاب مقدس

۱. نک: بهبودی، معانی القرآن، ذیل آیه؛ همو، تدبیری در قرآن، تهران، نشر سرا، ۱۳۸۰ش، ذیل آیه؛ نیز درباره زمینه نزول و گفت‌وگو نک: زرکشی، بدر الدین، البرهان، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م، ج ۳، ص ۲۸.

۲. نک: ابراهیم، ۲۴ و ۲۶.

۳. برای نمونه نک: ابن الجعد، علی بن الجعد بن عبید، مسند ابن الجعد، به کوشش عبدالله بن محمد بغوی و عامر احمد حیدر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م، ص ۱۷۰؛ ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، سنن ترمذی، به کوشش عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ج ۴، ص ۳۵۸؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیة، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۵؛ طبری، ذیل، ابراهیم، ۱۴، ۲۴ و ۲۶.

۴. نک: ادامه مقاله.

محققان مسیحی غالباً خود عیسی را موحد می‌دانند^۱، گرچه این مطلب با بخش‌هایی از عهدجدید که عیسی را پسر خدا معرفی می‌کند، کاملاً متفاوت است. اما با این وجود، برداشت محققان از متن این دست آیات عهدجدید، تعالیم مسیح را برپایه توحید معرفی می‌کند. آنان معتقدند که اصل اقانیم ثلاثه و اعتقاد به سه خدا، بعدها توسط کلیسا گسترش یافت، در حالی که خود عیسی هرگز جز از یک خدا سخن نگفت.^۲

صرف نظر از تصور سنت یهودی و تلمود درباره شخص عیسی که او را انسانی از خاندان سلطنتی داود و دارای پدر، خواهران و برادرانی می‌داند و حتی گاهی او را به‌عنوان مسیح اسرائیل نمی‌پذیرد،^۳ محققان مسیحی به طور کلی درباره هویت عیسی نگاه‌های متفاوتی دارند. از جمله این که عده‌ای او را از جنس بشر می‌دانند، زیرا او از مادری مثل مریم به دنیا آمد که نشانگر واقعیت بشری بودن او است.^۴ گروهی دیگر نیز بر اساس اصل اتحاد خدا و انسان در شخص واحد یعنی مسیح، برای او هویت الاهی قائلند و در نتیجه مریم را مادر خدا می‌دانند.^۵ در عین حال برای حل مسأله فهم «کلمه با خدا بود» و «کلمه خدا بود»^۶ توجه‌هایی ارائه کرده‌اند که البته با کیفیت خلقت او مرتبط نیست.^۷

1. For example see: Mark, 10: 18: "Why callest thou me good? Ther is none good but one, that is God"; also see: John, 3:17.

۲. برای مثال نک: یوحنا، ۵، گرینستون، جولوس هیلل، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، نشر ادیان، ۱۳۷۷ش، ص ۶۵؛ و نیز:

Groothuis, D., *On Jesus, USA*, Cengage Learning, 2003, pp.36-40.

3. See: Flusser, D., "Jesus, Jesus's Family and Circle, Jesus and the Jewish Background, Jesus as the Messiah", *Encyclopedia Judaica*; F.Skolnik(ed.), New York, Thomson & Gale, 2007, Vol.11, pp.246-249.

4. Lanne, E., "Maria doctrine and Piety up to the Council of Chalcedon: The Fathers and The Liturgy", *Studying Mary: The virgin Mary in Anglican and Roman Catholic Theology & Devotion*, A. Denaux & N. Sagovsky(ed.), London, 2007, p.37; Chilton, B., "Mamzerut and Jesus", *Jesus from Judaism to Christianity*, Tom Holemen(ed.), London, T. & T. Clark, 2007, pp.19-20.

5. For example see: Webster, J., *Word and Church (Essays in Christian Dogmatics)*, New York, 2001, p.145, cf. p.146 ff.; also:

مولاند، آینار، جهان مسیحیت (اعتقادات کلیساهای مسیحی، قانون اساسی، اشکال و شیوه‌های عبادت)، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، ۱۳۶۸ش، صص ۳۳-۳۴.

۶. یوحنا، ۱: ۱.

7. For example see: Houlden, Leslie, "John, Gospel of", *Jesus: the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003, pp.476-8.

از جایی که برداشت‌های متفاوت از واژه لوگوس در محیط‌های فلسفی و مذهبی عقیده تئلیث را به وجود آورد،^۱ ظاهراً باید تحقیق خود را پیرامون این واژه و «کلمه» در مسیحیت متمرکز کنم. به نظر من لوگوس دقیقاً چیزی نیست که در انجیل یوحنا با تعبیر «کلمه» آمده است. با تعریفی که فلاسفه از لوگوس ارائه می‌دهند، در نظام دینی قرآنی یا حتی مسیحی، بیشتر روح القدس یا جبرائیل را می‌توان معادل آن قرار داد و نه عیسی مسیح را. مثلاً یکی از قدیمی‌ترین تعریف‌ها در باب لوگوس این گونه است که خدا ابتدا لوگوس را آفرید که مثال خلقت یا ایده آفرینش بود. لوگوس در عین اینکه از خدا و با خداست، نخستین زاده و مخلوق او، و رابطه خدا با خلقت و مخلوقات جهان است. لوگوس روح جهان و منبع انرژی است.^۲ در تورات یهوه روح و دم خود را در قالبی که از خاک ساخته می‌دمد و به آن حیات می‌بخشد. این دم و روح خدا همان لوگوس است که خلقت به وسیله او صورت می‌گیرد. پس روح آدمی نیز از لوگوس سرچشمه گرفته و در قالب بدن محبوس شده است. لوگوس هویتی الهی دارد که به آن پسر خدا و یا واسطه نیز می‌گویند.^۳ در واقع لوگوس را قانون حرکت عالم و منشأ همه پدیده‌های جهان و منبع روح انسان می‌دانند که به مثابه عقل یا خرد خدا عمل می‌کند.^۴ در تمام این تعریف‌ها از لوگوس، قدری قدری عملکرد روح القدس یا جبرائیل با مسیح درآمیخته است.^۵ در حالی که برخی دیگر از

۱. تیواری، کدار ناث، *الهیات تطبیقی*، ترجمه ابوطالب فنایی و محمد ابراهیمیان، تهران، ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م، صص ۱۵۰-۱۵۱؛ نیز:

Edwards, M.J., vol.3, p.1721.

2. See: Edwards, M.J., vol.3, pp.1721-2.

۳. آشتیانی، جلال‌الدین، *تحقیق در دین یهود*، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۳۹؛ نیز نک:

Rout, P., "Bonaventure", *Jesus: the complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003, pp.133-4.

4. See: Peifer, J. F., "Word", *New Catholic Encyclopedia*, Washington, D.C., The Catholic University of America, 2002, vol.14; Blanchard, Yves-Marie, "Word", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste(ed.), New York, Routledge, Also see Edwards: Widdicombe, pp.51-2; Houlden, Leslie, "Holy Spirit", *Jesus: the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003, p.476.

۵. برای روح القدس یا عملکرد جبرائیل در قرآن نک: هود، ۲۲۱؛ نجم، ۵-۹؛ معارج، ۱-۷؛ تکویر، ۱۹-۲۱؛ همچنین یهودی، «هفت آسمان»، معارف قرآنی، تهران، نشر سرا، ۱۳۸۰ش، صص ۲۸۸-۲۹۳. نیز نک:

از محققان می‌گویند منظور از عبارت «کلمه را جسم ساخت» این است که «کلمه جسم بود»، و به این ترتیب پسر از جنس پدر نیست، بلکه واسطه‌ای برای آفرینش جهان است.^۱ در عین حال، شرحی از متفکران نخستین مسیحی می‌گوید که لوگوس همان کلمه است که لباسی از گوشت و خون، یعنی بدن به منزله ابزاری برای زندگی و درک متعلقات آن بر تن کرده است.^۲ برخی دیگر از کلمه به دانش تعبیر کرده‌اند.^۳

معنای کلمه در سنت یهودی همان سخنان، فرامین و برنامه خدا برای قوم بنی اسرائیل در عهد قدیم است، یعنی سخنان خدا با آدم، سخنانی که از طریق پیامبران با مردم گفته است، و سخنانی که در کنویم آمده است.^۴ اما در سنت مسیحی اصطلاح «کلمه خدا» طیفی از اندیشه‌ها را به دور خود گرد آورده است. افزون بر این تفسیر که کلمه سخن خدا است که از طریق مسیح به مردم ابلاغ شد تا قابل درک باشد و خود مسیح از این رو کلمه نامیده شد،^۵ سه معنای عام در این باره بیان شده است: یکی «کلمه تجسد خدا»، به این معنا که اراده، اهداف و ماهیت خدا به واسطه شخص عیسی در تاریخ شناخته می‌شود. دوم آن که منظور بشارت مسیح باشد. سوم این که اصطلاحی برای اشاره کلی به مجموعه کتاب مقدس (از آمدن او، لوازم زندگی و مرگ و رستاخیز او برای مؤمنان) است تا زمینه‌ساز ظهور مسیح باشد.^۶ برخی محققان با توجه به جمله‌هایی از عهدجدید،^۷ می‌گویند که با کلمه

Chilton, B., p.19; Hunsinger, G., "Karl Barth's Doctrine of the Holy Spirit", *The Cambridge Companion to Karl Barth*, John Webster(ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 2000, pp.187-188.

۱. مولاند، اینار، صص ۳۰۹، ۳۱۱؛ نیز:

For other explanation see: Webster, J., pp.135-138, Houlden, L., p.345.

2. See: Parvis, Paul, "Alexandrian Theology", *Jesus: the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003, pp.14-18.

3. Peifer, J.F., vol.14, p.836.

4. Briend, J., "Word of God, New Testament", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste(ed.), vol.3, pp.1723-1724.

5. See: Briend, vol.3, pp.1725-1726.

۶. مک گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۴ش، صص ۳۲۱؛

مولاند، اینار، صص ۳۰۹؛ نیز نک:

Peter, C. J., "Word, the", *New Catholic Encyclopedia*, Washington D.C., The Catholic University of America, vol.14; See also: Torrance, A., p.74; Widdicombe, P., pp.54-55.

۷. رومیان، ۴: ۱۷.

عیسی، خداوند مرده را به زندگی بازمی‌گرداند و همه چیز با کلمه او از عدم به وجود آمده است.^۱

چنان که دیده می‌شود، اغلب شرح‌ها درباره «کلمه» از ظاهر متن خارج شده‌اند و آیات انجیل تأویل شده است و درباره آفرینش او حول این اصطلاح سخنی گفته نشده است. غالباً بیشتر تمرکزها درباره تولد مسیح است که نسبت به برداشت‌های گوناگون از متن کتاب مقدس، متفاوت است.^۲ گاهی اندک شرحی درباره تشبیه آدم به مسیح، اما نه درباره تشبیه کیفیت خلقت او به آدم، با توجه به آیات ۱۲ به بعد نامه پولس به رومیان در باب پنجم دیده می‌شود.^۳

۳.۲. آفرینش عیسی در قرآن

قرآن می‌گوید که در مورد عیسی به مریم بشارت داده شد، با این تعبیر که او مسیح عیسی بن مریم، «کلمه‌ای» از جانب خداست: «... إن الله یشرک بکلمة منه اسمہ المسیح عیسی ابن مریم...»^۴ در گزارشی دیگر آمده است که جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا نموده است.^۵

صرف نظر از معانی و مصادیق مختلف کلمه، در آیات دیگر، مفسران مسلمان در تفسیر «کلمه» ذیل آیه‌های فوق آرای مختلفی ذکر کرده‌اند که مشهورترین آن‌ها عبارت از سه مطلب است: عده‌ای گفته‌اند که منظور از کلمه، بشارت یا رسالت است که به مریم خبر داده شد؛^۶ برخی معتقدند که منظور از «کلمه» تعبیر «کن فیکون» یعنی باش، پس به وجود آمده است.^۷ اما گروهی از مفسران در میان متاخران و معاصران (حتی گاهی به نقل از ابن

1. Bühler, P., "Word of God, Systematic Theology", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste(ed.), New York, Routledge, 2005, vol.3, p.1726.

2. See: Chilton, B., pp.18-21.

3. For example see: Houlden, L., p.476.

۴. آل‌عمران، ۴۵.

۵. نساء، ۱۷۱.

۶. برای نمونه نک: طبری، طوسی، ذیل آیات نامبرده.

۷. سمرقندی، ثعلبی، ابن عطیه اندلسی، فخررازی، ذیل آیات نامبرده؛ برای مشابه این توضیح نک:

Houlden, L., p.476.

عباس و نحویان بصره چنان که در تفاسیر متقدم نیز آمده است) و بسیاری از مفسران متقدم بر این باورند که منظور از «کلمه»، کلمه‌ای از کلمات الله، نفس، نطفه یا همان آدمک مسیح است که توسط روح القدس به رحم مریم القا شده است.^۱ رأی نخست چندان طرفداری ندارد و این که گفته شود بشارت را به مریم بشارت داد، با فصاحت کلام نیز سازگار نیست. در واقع این تفسیر اندکی شبیه برداشت گروهی از مفسران مسیحی است که مراد از «کلمه خدا» یا «کلمه خداوند» را «بشارت مسیح» یا «اعلام درباره مسیح» دانسته‌اند.^۲ معتقدان به نظر دوم در حاصل کلام فرقی با طرفداران گروه سوم ندارند، زیرا در نهایت معتقدند که با القای «کلمه»، یعنی القای «کن فیکون»، نطفه عیسی القا شد.^۳ هر چند که هم از نظر بلاغی و خوانش با فعل جمله چندان هماهنگ نیست و برای ادامه سخن نیاز به تأویل است و هم تصور این تفسیر قدری نامفهوم به نظر می‌رسد. اما نظر سوم مؤیداتی از آیات دیگر و هم‌چنین سیاق همین آیات دارد. برای نمونه، آیه‌ای است که خلقت عیسی را به خلقت آدم از دو جهت تشبیه می‌کند: یکی از نظر بدون پدر به دنیا آمدن و دیگری از نظر آفرینش از خاک، زیرا در قرآن آمده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۴، یعنی به یقین داستان عیسی در نزد خداوند هم‌چون داستان آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او گفت باش، پس شد.

چنان که گذشت، بنا به اقوالی، آن چه که از خاک و شیرۀ گل چسبان و مرداب بویناک سیاه یک جا آفریده شد، همان آدمک‌ها یا نفس انسان‌ها بود که قرآن در تعبیری دیگر آن‌ها را «کلمات» یا قطعه‌ای از آن، یعنی «کلمه» می‌نامد. بنابراین و با مقایسه آیات فوق، تشبیه آفرینش عیسی به آفرینش آدم از نظر خلقت از خاک، ناظر به همان خلقت «کلمه» یا آدمک عیسی از خاک خواهد بود، زیرا می‌گوید عیسی مانند آدم آفریده شد. آدم

۱. برای نمونه نک: صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، به کوشش حبیب الرحمن الاعظمی، منشورات المجلس العلمی، ۱۴۰۳ق، ذیل آیه؛ مقاتل، طبری، به نقل از ابن عباس و جماعتی از نحویان بصره؛ ابن ابی حاتم رازی، نحاس، ابن عربی، قرطبی، بهبودی، تدبری در قرآن، ذیل آیات نامبرده و نیز ذیل ۳:۳۹ که درباره تصدیق عیسی توسط یحیی است و در این آیه نیز به جای عیسی از تعبیر کلمه استفاده شده است.

۲. نک: مک گراث، آلیستر، ص ۳۲۱؛ نیز نک: ادامه مقاله، ذیل آفرینش عیسی در کتاب مقدس.

۳. نک: سمعانی ذیل زمر، ۳.

۴. آل عمران، ۵۹.

از خاک آفریده شد، عیسی از کلمه آفریده شد، نتیجه این است که کلمه از خاک آفریده شد. تقریباً مشابه این مطلب در عهدجدید به چشم می‌خورد که آدم شبیه و نمونه مسیح آینده است، گرچه که محققان مسیحی آن را بر معنای دیگری حمل کرده‌اند، یا اشاره صریحی در این باره به کیفیت خلقت عیسی مانند آدم ندارند.^۱

یکی از مفسران معاصر با شرح مفصل‌تری در تأیید نظر سوم می‌گوید که از نطفه عیسی به «کلمه» تعبیر شده است، زیرا کلمه مسیح یکی از کلمات الله یا به عبارتی قطعه‌ای از وجود است.^۲ به نظر وی عیسی از نظر هویت وجودی فرقی با سایر کلمات خدا ندارد. وی می‌گوید تمام نطفه‌ها یا آدمک‌ها یک جا آفریده شدند و منتظرند تا گروه گروه وارد عرصه حیات زمینی شوند. این کلمات اگر در جای مناسب کشت شوند، می‌بالند، خواه مانند نسل اولیه بشر و آدم از دل مرداب برخیزند، خواه مانند نسل‌های دوم و سوم تا نسل حاضر از صلب پدران و رحم مادران خود برون آیند، خواه مانند اسحاق از صلب پدری سالخورده و رحم سالخورده مادری مثل ساره به عرصه حیات آیند، خواه مانند عیسی از آلودگی پرورش در مرداب یا صلب پدران محفوظ باشند و به صورت غیر تناسل، توسط موجی از روح القدس در رحم مریم القا شود.^۳ در این صورت هویت عیسی بشری است و در عین حال شاید بدون جنسیت، زیرا جنسیت‌پذیری درباره آدمک (دی ان ای بنیادی) تا زمانی که لقاح انجام نشده است، مفهومی ندارد.^۴

شاید یکی از مؤیدهای دیگر برای رأی سوم توجه به سیاق آیه ۱۷۱ سوره نساء باشد. به نظر می‌رسد در صورتی که تفسیر سوم را برای «کلمه» در نظر بگیریم، انسجام و ارتباط صدر و ذیل آیه حفظ می‌شود. ابتدای این آیه گروهی از غالیان اهل کتاب را مورد خطاب قرار می‌دهد و به آنان اخطار می‌کند که در دین غلو نکنند و مسیح را پسر خدا

۱. رومیان، ۵: ۱۴؛ نیز:

See: Barth, Karl, *Christ and Adam and Humanity*, Romans 5, T. A. Smail(Trans.), New York, 1962, pp.46-47.

2. For similar views on rational beings and logos' ability to mediate saving knowledge of God see: Widdicombe, P., pp.50-51.

۳. بهبودی، تدبیری در قرآن، ذیل ۳: ۴۵؛ ۳: ۵۹؛ ۴: ۱۷۱.

4. See similar to this: Chilton, B., p.19; Loder, W., "Sexuality and the Historical Jesus", *Jesus from Judaism to Christianity*, Tom Holemen(ed.), London, T. & T. Clark, 2001, pp.34-48.

نخوانند که جز شرمندگی سودی عاید مسیح نمی‌شود.^۱ قرآن برای دفع توهم اعتقاد به حلول و اتحاد عیسی با خدا، به اصل آفرینش او که بیانگر هویت وجودی و بشری عیسی است، در جمله بعد اشاره می‌کند، به این صورت که با لفظ «إنما» می‌گوید که مسیح که او را جلال خدا لقب داده‌اند، فقط پسر مریم و رسول الله است که بی‌پدر به دنیا آمده است و «کلمه» یا به تعبیر من، آدمک او، به وسیله ذات حق، با دمیدن روح قدسی جان گرفت.^۲ اگر کلمه را در این جا همان آدمک ساخته شده از خاک بدانیم که مانند سایر کلمات خدا است، در این صورت جای آن خواهد داشت که برای رد الوهیت عیسی، در جمله بعدی غالیان را به ایمان به خدا و رسولانش دعوت کند و تذکر دهد که از اعتقاد به سه اصل حیات یا اقانیم ثلاثه، یعنی «پدر، پسر، روح القدس» دست بردارند. یعنی با اشاره به اصل آفرینش عیسی، اصل اعتقاد به الوهیت وی را رد کند و حتی دست آخر، شعار توحیدی را تکرار کند. چنان که می‌گوید الله فقط همان خدای یگانه‌ای است که از داشتن فرزند منزه است.^۳

نتیجه

در قرآن آدم، عیسی مسیح و تمام انسان‌ها هویت بشری دارند. این اعتقاد نزد مسلمانان رایج است، اما با توجه به نوع قرائت‌های گوناگون از آیات، در سبک اثبات مدعا تفاوت‌هایی دارند. در کتاب مقدس اما جمله‌ها به گونه‌ای است که این هویت بشری را در ظاهر، جز برای آدم و انسان‌ها غیر از مسیح بر نمی‌تابد و نیاز به اندکی تأویل و توجیه دارد.

«کلمه» و شروح گوناگون مفسران مسلمان و مسیحی درباره آن، کلیدی برای حل معمای هویت عیسی مسیح به شمار می‌رود. قرآن هرگز کلمه را خدا نمی‌داند، اما عهدجدید گاهی آن را به ظاهر خدا می‌خواند. از این رو، گاهی محققان مسیحی به توجیه و تأویل این آیات پرداخته‌اند. در قرآن و متون تفسیری، کیفیت خلقت عیسی با توجه به

۱. چنان‌که در جای دیگر می‌گوید که به مسیح به توییخ خواهند گفت: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را

به خدایی بگیری؟ نک: مائده، ۱۱۶.

۲. نیز نک: بهبودی، تدبیری در قرآن، ذیل ۴: ۱۷۱.

۳. نک: آخر نساء، ۱۷۱.

«کلمه»، به گونه‌ای برجسته مورد سؤال بوده است، اما در سنت مسیحی چنین مسأله‌ای غالباً مطرح نیست، یا کم‌تر به آن پرداخته شده است.

برخی مفسران که به‌ویژه به ظاهر آیات بیشتر اعتماد می‌کنند، اعتقاد دارند که هویت بشری انسان‌ها، آدم و مسیح با توجه به نوع خلقتِ نفسِ (آدمک) همه آنان که از خاک و سایر مواد است، قابل اثبات است و نیازی به تأویل بردن آیات نیست. آنان معتقدند که منظور از «کلمه» همان نفس یا آدمک عیسی است که مانند سایر «کلمات خدا» از خاک آفریده شده است و می‌تواند به جسم انسانی تبدیل شود. اما در میان مسیحیان، آنان که به ظاهر برخی آیات عهد جدید اعتماد نمی‌کنند و به تأویل واژه «کلمه» و سایر آیات مرتبط در عهد جدید می‌پردازند، معتقدند که عیسی هویت بشری دارد. آنان که این تأویل‌ها را نمی‌پذیرند و ظاهر برخی جملات را سند می‌گیرند، به الوهیت عیسی معتقداند. شاید این اختلاف زمانی برطرف شود که قرائتی نوین درباره چستی «کلمه»، صرف نظر از یکی دانستن آن با لوگوس، چنان که در منابع کهن مسیحی است، به دست آید. شاید از رهگذر مقایسه‌ی آن با آدم، از حیث کیفیت خلقت. محققان در سنت مسیحیت کم‌تر به معرفی هویت مسیح از طریق بررسی در کیفیت آفرینش وی پرداخته‌اند و گاهی سعی کرده‌اند موضوع «سه‌خدایی بودن» را از طریق اشاره به تعالیم مسیح حل کنند.

منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- آلوسی، محمود، تفسیر آلوسی، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن ابی حاتم رازی، تفسیر القرآن العظیم، به کوشش اسعد محمد الطیب، المكتبة العصرية، بی‌تا.
- ابن ابی‌زمین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، تفسیر ابن‌زمین، به کوشش حسین بن عکاشه و محمد بن مصطفی‌الکنز، قاهره، الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.
- ابن الجعد، علی بن الجعد بن عبید، مسند ابن‌الجعد، به کوشش عبدالله بن محمد بغوی و عامر احمد حیدر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.
- ابن عربی، تفسیر ابن عربی، به کوشش عبد الوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

- ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، تفسیرالقرآن العظیم، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- ابوحيان اندلسی، البحر المحيط، به کوشش عادل احمد و علی محمد عوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
- بغوی، تفسیر، به کوشش خالد عبد الرحمن العک، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- بهودی، محمد باقر، تدبری در قرآن، تهران، نشر سرا، ۱۳۸۰ش.
- همو، معارف قرآنی، تهران، نشر سرا، ۱۳۸۰ش.
- همو، معانی القرآن، نشر سرا، تهران، ۱۴۲۱ق.
- همو، نگاهی به تاریخ انبیاء در قرآن، تهران، انتشارات سنا، ۱۳۸۸ش.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، سنن ترمذی، به کوشش عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- تیواری، کدار ناٹ، الهیات تطبیقی، ترجمه ابوطالب فناپی و محمد ابراهیمیان، تهران، ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م.
- ثعالبی، عبدالرحمن، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد موجود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان، به کوشش ابومحمد بن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م.
- سفیان ثوری، تفسیر الثوری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- رابرتسون، آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، قم، ۱۳۷۸ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- زبیدی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- زرکشی، بدر الدین، البرهان، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م.
- زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال، به کوشش عباس و محمود حلبی، مصر، مکتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶ش.
- سلمی، تفسیر السلمی، به کوشش سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱ش.
- سمرقندی، ابو الیث، تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)، به کوشش محمود مطرجی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

- سمعانی، تفسیر السمعانی، به کوشش یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.
- صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، به کوشش حبیب الرحمن الاعظمی، منشورات المجلس العلمی. ق.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، بی تا.
- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، به کوشش خلیل المیس و صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- عباشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیة الاسلامیة، بی تا.
- غرناطی کلبی، قاسم بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، لبنان، دار الکتب العربی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- فراهدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد، العین، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰.
- فخررازی، مفاتیح الغیب، بی جا، بی تا.
- فیروز آبادی، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، لبنان، دار الکتب العلمیة، بی تا.
- فیض کاشانی، محمد محسن، التفسیر الاصفی، به کوشش محمدحسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۰ق/۱۳۷۸ش.
- قرآن کریم.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، به کوشش احمد عبد العلیم بردونی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- کهن، آبراهام، خدا، جهان، انسان و ماشیح در آموزه های یهود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، ۱۳۸۲ش.
- گرینستون، جولوس هیلل، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، نشر ادیان، ۱۳۷۷ش.
- لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، ۱۳۸۰ش.
- مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، به کوشش احمد فرید، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
- مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم، ۱۳۸۴ش.
- مولاند، اینار، جهان مسیحیت (اعتقادات کلیساهای مسیحی، قانون اساسی، اشکال و شیوه های عبادت)، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، ۱۳۶۸ش.

- نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، معانی القرآن، به کوشش محمد علی صابونی، عربستان سعودی، جامعه أم القرى، ۱۴۰۹ق.

- ولفسن، هری اوسترین، فلسفه آبابی کلیسا، ترجمه علی شهبازی، قم، ۱۳۸۹ش.

- Alexander, P.S. & Luttikhuisen, G.P., *The Creation of Man and Woman, Interpretations of the Biblical Narratives in Jewish and Christian Traditions*, Brill, Leiden, 2000.
- Barth, K., *Christ and Adam and Humanity Romans 5*, Trans. T. A. Smail, New York, 1962.
- Blanchard, Yves-Marie, "Word", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste(ed.), New York, Routledge, 2005, vol.3.
- Briend, J., "Word of God, New Testament", *ibid*.
- Bühler, P., "Word of God: Systematic Theology", *ibid*.
- Chilton, B., "Mamzerut and Jesus", *Jesus from Judaism to Christianity*, Tom Holmen(ed.), London, T. & T. Clark, 2001.
- Edwards, M.J., "Historical and Systematic Theology", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste (ed.), New York Routledge, 2005, vol.13.
- Flusser, D., "Jesus, Jesus's Family and Circle, Jesus and the Jewish Background, Jesus as the Messiah", *Encyclopedia Judaica*, F.Skolnik(ed.), New York, Thomson & Gale, 2007, Vol.11,
- Groothuis, D., *On Jesus*, USA, Cengage Library, 2003.
- Houlden, L., "John, Gospel of", *Jesus, the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003.
- Idem, "Holy Spirit", *Jesus, the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003.
- Hugh, S., *History of the Origion of the Doctorine of the Trinity in the Christian Church*, London, 1899.
- Hunsinger, G., "Karl Barth's Doctorine of the Holy Spirit", *The Cambridge Companion to Karl Barth*, John Webster(ed.), Cambridge, Cambridge University press, 2000.
- Lanne, E., "Maria Doctorine and Piety up to the Council of Chalcedon: The Fathers and The Liturgy", *Studying Mary: The Virgin Mary in Anglican and Roman Catholic Theology & Devotion*, A. Denaux & N. Sagovsky(ed.), London, 2007.
- Loder, W., "Sexuality and the Historical Jesus", *Jesus from Judaism to Christianity*, Tom Holemen(ed.), London, T. & T. Clark, 2007.
- Neusner, J., *Jeremiah in Talmud and Midrash*, USA, University Press of America, 2006.
- Parvis, P., "Alexandrian Theology", *Jesus, the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003.
- Peifer, J. F., "Word", *New Catholic Encyclopedia*, Washington, D.C., The Catholic University of America, 2002, vol.14.
- Peter, C. J., "Word the", *New Catholic Encyclopedia*, Washington, D.C., The Catholic University of America, 2002, vol.14.

-
- Rout, P., "Bonaventure", *Jesus, the Complete Guide*, Leslie Houlden(ed.), London, 2003.
 - Torrance, A., "The Trinity", *The Cambridge Companion to Karl Barth*, John Webster(ed.), Cambridge University press, 2000.
 - Webster, J., *Word and Church*(Essays in Christian Dogmatics), New York, 2001.
 - Widdicombe, P., *The Fatherhood of God from Origin to Athanasius*, Oxford, Clarendon Press, 1994.